

### سعید ارجمندفر<sup>۱</sup>

جهان امروز جهانی سیاست‌زده و غوغاسالار است و ادعای سیطره بر تمام شوون دینی، اخلاقی و انسانی بشر را دارد. تنها دینی در این نابسامانی جهانی، قدرت پایداری دارد که برخوردار از انسجام و اتحادی درونی بوده باشد. این امر با عدم انسجام اجتماعی، سیاسی و دینی موجود میان مسلمانان، اوج‌گیری رویکردهای ضد دینی و اسلام ستیزانه در ممالک غربی، و هجمه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و نظامی به ممالک مسلمان در تعارض است. طلیعه بازگشت به امت واحد اسلامی، زمانی پدیدار خواهد شد که انسجام درون دینی میان فرق و ممالک مختلف مسلمان پدیدار شود. بحث تقریب به عنوان یکی از بایسته‌های این اتحاد و در راستای برقراری این انسجام، امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است. این پژوهش در صدد است تا گزارشی اجمالی از مبانی نظری تقریب در تعالیم قرآن و سنت ارائه دهد تا بتواند مبنایی واحد و مشترک در فرایند تقریب، تصویر کند و در فهم بیش‌تر مقوله تقریب و دینی بودن مبانی و اصول بنیادین و نظری آن تأکید کند.

۱. کارشناسی ارشد کلام و ادیان.

امروزه پس از سپری شدن دوران نظریه‌های همگرایی و اتحاد میان مسلمانان، نظریه انسجام اسلامی به عنوان کامل‌ترین نظریه موجود در راه رسیدن به اهداف مشترک دینی است. حال با توجه به این نظریه و در مسیر برقراری این انسجام اسلامی، بازخوانی مبانی تقریب، به عنوان یکی از بایسته‌های انسجام اسلامی، ضرورتی مضاعف می‌یابد. تقریب که در لغت به معنای نزدیک کردن دو یا چند چیز به یکدیگر تعریف می‌شود؛ در اصطلاح متداول خویش، برای نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی و با هدف تعارف و شناخت یکدیگر، تبیین شده است تا با دست‌یابی به الفت و اخوت دینی و بر اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی، راهکار مناسبی برای ایجاد اتحاد اسلامی و رویکردی بایسته برای انسجام اسلامی فراهم کند. این امر با توجه به اتحاد و انسجام بیگانگان برای نابودی باورهای اسلامی و غلبه بر ممالک مسلمان، برای دست یازیدن به ثروت‌های فکری - اقتصادی ایشان، ضرورتی انکارناپذیر دارد.

ضرورت پرداختن به این مقوله و ریشه‌های آن را می‌توان در باورهای اصیل اسلامی یافت. البته باید توجه داشت که در فرایند تقریب، تنها می‌بایست تلاش کرد تا خصومت‌های بین مذاهب از بین برود و زمینه ایجاد امتی واحد فراهم گردد و تقریب در عقاید و مناسک صرفاً برای ایجاد ائتلاف، الفت و اخوت دینی خواهد بود و هرگز باعث دست کشیدن از باورهای مسلم هر فرقه در مقابل عقاید سایر فرق، نخواهد بود. مخاطبان تقریب، عالمان دینی و بزرگان فرق اسلامی است و از این طریق زمینه سرایت دادن باورهای اعتمادساز و از میان برداشتن باورهای نادرست بین فرقه‌ای، میان مسلمانان فراهم خواهد شد. این رویکرد که برای حفظ انسجام و اتحاد اسلامی صورت می‌گیرد، امری دینی است که از بطن قرآن

و سنت پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام بیرون می آید. بنابراین برای هموار شدن مسیر گفتمان و تقریب عقاید، چاره‌ای جز ترسیم مبانی تقریب از متن قرآن و سنت نیست و توجه به سنت ائمه اطهار علیهم السلام در کنار سنت نبوی ﷺ، ضمن ارزشمند بودن آن نزد تمامی فرق اسلامی، انگیزه‌ای مضاعف برای شیعیان امامیه است. در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با جستجو در دو ساحت قرآن و سنت، به صورتی گذرا مبنای تقریب، ترسیم گردد تا در مواجهه با فرق مختلف بتوانیم بر مبانی مشترکی در این امر، پای بفشاریم.

### قرآن و مبانی نظری تقریب

بر اساس تعالیم گوهر بار قرآن، وجود وحدت و ایجاد یکپارچگی میان مسلمانان، امری بایسته فرض شده است. این امر که در آیات متعدد، اشارات جامع و کاملی بر آن وجود دارد، با دو دلیل، بایسته فرض می‌شود. توجه خاص به نحوه خلقت انسان و اشتراک‌های موجود میان تمام قبایل بشری، اولین رویکرد قرآنی به ضرورت اتحاد و انسجام جهانی است. از سوی دیگر؛ نویدهای آسمانی که الهیات ادیان را سامان بخشیده‌اند و به عنوان یگانه منشأ ادیان آسمانی لحاظ می‌گردند، الطافی الهی خطاب شده‌اند که در قالب وحی‌های نبوی، دین واحدی را بر بشریت عرضه داشته‌اند. یگانگی دینی میان تمامی ادیان آسمانی، خود نشان از اهمیت یگانگی در امت و اشاره‌ای به دینی واحد است.

### وحدت کلمه در خلقت و تشریح

جایگاه انسان در خلقت، وحدت و حقیقت خلقت او، و مبانی نیاز و اتحاد جسمانی وی با تک تک اعضای مجموعه خویش، عاملی برای

ایجاد یگانگی فرض شده است. قرآن این نیاز را قرین یگانگی امت‌ها می‌داند آن‌جا که می‌فرماید: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلف فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾<sup>۱</sup> یا آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ فِي مَا اختلفُونَ﴾<sup>۲</sup>.

هرچند که این اتحاد در خلقت بر اساس آیات قرآن ریشه در فطرت آدمی دارد، اما منشأ اختلاف‌های پدید آمده میان انسان‌ها را می‌توان در دو عامل اصلی بیان داشت.<sup>۳</sup> اولین و اساسی‌ترین عامل ایجادکننده اختلاف در میان امت‌ها، تعارض‌های اجتماعی برای کسب معاش بیش‌تر بوده است. از آن‌جا که قرآن اولین رویکرد دینی در کوچک‌ترین و ابتدایی‌ترین جوامع بشری را «توحیدمداری» فرض کرده است، اولین و اساسی‌ترین وظیفه انبیا را نیز بازگرداندن انسجام اجتماعی برای تثبیت معارف توحیدی فرض می‌کند. این سخن در جایی بیش‌تر نمود می‌یابد که خداوند در ادامه آیه فوق مسؤولیت انبیا را قضاوت کردن و حکم کردن میان انسان‌ها تبیین می‌کند. این رویکرد ضمن تبیین ضروری بودن نزول قانون برای اداره اجتماع، خود نشانه بغض الهی از تفریق و جدایی میان امت‌هاست؛ چرا که خداوند با انکار هرگونه برتری‌جویی بین انسان‌ها، ملاک کرامت را در نزد خویش تنها دین‌مداری و تقوای الهی می‌داند ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ

۱. البقرة/ ۲۱۳.

۲. یونس/ ۱۹.

۳. محمد حسین طباطبایی: المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰، ص ۲۹ و ۳۰.

اللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿۱﴾

دومین دلیل تفریق و شعبه شعبه شدن انسان‌ها را می‌توان اختلاف در تبیین شرایع دانست. این اختلاف که در میان صاحبان شرایع آسمانی پدید آمده است، زمینه‌ساز ایجاد بدبینی و تفرقه اجتماعی شده‌است. تکثر ادیان و انحراف از مسیر توحید، نتیجه سرکشی و طغیان شهوت، غضب، هوا و هوس و قدرت‌مداری انسان‌هاست. حتی این امر باعث شده میان ادیان آسمانی نیز تفرقه ایجاد شود و هر دین‌داری تنها خود را پیرو راستین انبیای الهی بداند. خداوند نیز در مقابل این ادعا که اغلب توسط صاحبان کتاب‌های آسمانی مطرح می‌شده است، با تثبیت گفتمان بین ادیان، این مسأله را نقد می‌کند: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتْ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱﴾ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۳﴾ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۴﴾

با این حال، قرآن کریم در مواجهه با ادیانی که ریشه در تعالیم الهی داشته‌اند، تلاش می‌کند با پافشاری بر اموری ثابت، زمینه‌ای را برای گفتمانی سالم فراهم نماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿۳﴾

بنابراین اولین دستاورد قرآنی در تبیین مبای گفتمان دینی، تأکید بر مشترکات دینی و خصوصاً کلمه توحید است. این اصل به عنوان اساسی‌ترین گزاره در تبیین مبانی تقریب، به کار

۱. حجات/ ۱۳.

۲. آل عمران/ ۶۸-۶۵.

۳. آل عمران/ ۶۴.

گرفته می‌شود.

### تبیین مبانی تقریب براساس تعالیم قرآن

پس از اشاره به اساسی‌ترین اصل تقریب باید مصادیق این وحدت کلمه را در تعالیم قرآن بررسی کرد. تبیین این اصول و مبانی در قرآن، محتاج پژوهش‌های جامع، در معانی و دلالت‌های آیات قرآن است. در این پژوهش تنها تلاش خواهد شد که گزارشی اجمالی در تبیین این مبانی ارائه گردد.

### الف. گزینش اسلام به عنوان تنها دین منتخب

هر چند مباحث تقریب دایرمدار فرقه‌های مختلف مسلمانان است اما توجه خاص به اشتراک همه فرقه‌ها در کامل و خاتم بودن دین اسلام، اولین نقطه مشترک همه فرق اسلامی است. بر این اساس؛ رویکردهایی که در تعارض جدی با یگانه دانستن دین اسلام هستند، به عنوان موانع جدی در ایجاد تقریب لحاظ می‌گردند. کافر یا مشرک انگاشتن پیروان فرقه‌های دیگر، انحصار دینی و رویکردهای ستیزه جویانه در تعامل با سایر مسلمانان با منش وحدت‌گرایانه قرآن سازگار نبوده، خود نوعی خروج از دین است. خداوند، اتحاد دینی را که باعث ایجاد تفاهم و تعامل اجتماعی می‌شود، مسیر هدایت الهی خویش معرفی می‌کند: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾؛ هر چند مفسران، واژه «حبل الله» را در آیه فوق به معنای قرآن نیز گرفته‌اند اما باید توجه داشت که دین اسلام خود

اساسی‌ترین ریسمان در اعتصام به خداوند فرض شده است.<sup>۱</sup> این آیه بر خلاف آیات قبلی خویش، هدف از دین‌مداری را تبیین کرده، سپس راهکار عملی این دین‌مداری را، این‌گونه ارائه می‌دهد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾<sup>۲</sup>، و در ادامه، دین اسلام را تنها عامل وحدت جامعه اسلامی معرفی کرده، تمامی برکات نازل شده بر اجتماع مسلمین را نتیجه رویکردی واحد و دین‌مدارانه به قرآن، سنت و در یک کلام، دین حضرت ختمی مرتبت ﷺ می‌داند.<sup>۳</sup> از سوی دیگر، خداوند امت مسلمان را بهترین امت‌ها معرفی می‌کند: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾<sup>۴</sup>، ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾<sup>۵</sup>، و لازمه امت بودن، اتحاد و انسجام درونی است. هرچند میان باورهای عقیدتی فرق مختلف مسلمان تفاوت‌های فراوانی وجود دارد اما می‌توان در سایه تعالیم دین شریف اسلام، این اتحاد و انسجام دینی را در موارد ذیل یافت و باید توجه داشت که این موارد می‌بایست اصولی اعتقادی-عملی و مقبول میان تمامی فرق اسلامی بوده و چینش آن‌ها نیز ریشه در تعالیم و حیانی داشته باشد. *پژوهش‌های انسانی و مطالعات فرهنگی*

۱. ایمان به توحید: دین اسلام که طلیعه‌دار یکتاپرستی در جهان خطاب شده است و کامل‌ترین معنای توحید را مبنای تعالیم خویش قرار داده است، اعتقاد به وحدانیت خداوند را اساس باورهای دینی تمامی مسلمانان معرفی کرده و آن را عصاره تعالیم تمام انبیای الهی می‌داند: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي

۱. ابی‌علی‌الفضل طبرسی: مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۹۵، ق، ۲، ص ۴۸۲.

۲. آل‌عمران/ ۱۰۲.

۳. طباطبایی: همان، ج ۳، ص ۴۲۱ و ۴۲۲.

۴. آل‌عمران/ ۱۱۰.

۵. بقره/ ۱۴۳.

كُلُّ أُمَّةٍ رَسُوْلًا أَنْ اَعْبُدُوا اللهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوْتِ<sup>۱</sup> . قرآن دین اسلام را در مسیر تکامل دینی شریعت انبیای سلف ترسیم کرده، امت اسلامی را تابعان ابراهیم خلیل الرحمان علیه السلام می‌داند: ﴿وَ جَاهِدُوا فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّيْنِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً اَبْيَكُمْ اِبْرَاهِيْمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِيْنَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُوْنَ الرَّسُوْلُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُوْنُوْا شُهَدَاءَ عَلٰى النَّاسِ فَاَقِيْمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوْا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللّٰهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلٰى وَ نِعْمَ النَّصِيْرُ<sup>۲</sup>﴾ یکتایی و یگانگی در ذات الهی امری مسلم، مقبول، و حیانی و به دور از رویکردهای خاص تفسیری - اعتقادی فرق مسلمان است.

۲. ایمان به نبوت و خاتمیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و الهی بودن عبارات قرآن: دین اسلام بر پایه تعالیم ارائه شده توسط حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و در قالب کلام الهی (قرآن مجید) به سامان رسیده است. بر این اساس؛ ریشه شریعت و تمام باورهای ارائه شده در اسلام، نبوت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم و معجزه جاودانه ایشان است. خداوند ایمان را دایرمدار اعتقاد به وحدانیت خداوند و نبوت رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و ایمان به قرآن می‌داند؛ این سه باور اساسی خود مستلزم باور به تمام گزاره‌های دینی اسلام است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلٰى رَسُوْلِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي اَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيْدًا<sup>۳</sup>﴾؛ بازخوانی ایمان در آیه فوق نه تنها بر تثبیت ایمان مؤمنان دلالت می‌کند، بلکه خود نشانی از انسجام درونی دین اسلام و یکپارچگی تمام تعالیم شریعت است.<sup>۴</sup> این انسجام که خود اشاره‌ای مستقیم به بازگشتی دوباره به اسلام و دین‌باوری فردی دارد، سخن از عناصر اعتقادی و عبادی

۱. نحل / ۳۶ .

۲. حج / ۷۸ .

۳. نسا / ۱۳۶ .

۴. طباطبایی: همان، ج ۵، ص ۱۱۲؛ و محمد صادقی تهرانی: الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش، ج ۷، ص ۲۸۲ .



مشترکی میان تمام مسلمانان به میان می‌آورد که عصاره مشترکی از باورهای دینی میان فرق مختلف مسلمان و ملاک اسلام‌مداری ایشان است.

۳. ایمان به معاد و روز رستاخیز: معادباوری نیز در جای‌جای تعالیم قرآنی، اساس باور مسلمانان فرض شده است. این اعتقاد که ریشه در هدفمند کردن کنش‌های دینی مسلمانان دارد، نتیجه باورهایی چون توحید و نبوت است و اعتقاد به آن، قرین ایمان به این دو لحاظ شده است. از این رو در آیه فوق، انکار معاد، مساوی و مساوق با انکار خدا و پیامبران او ترسیم شده است.

۴. تسلیم در مقابل ارکان عبادی دین: در میان شرایع موجود در بین مسلمانان، اساس تشریح برخی از شریعت‌ها امری مسلم و انکار ناپذیر است؛ به گونه‌ای که انکار حتی یکی از آنها به منزله انکار تمام دین و به معنای ارتداد است. این شعائر که اغلب با عنوان ارکان دین معرفی می‌شوند، همسان با سنت‌های انبیای سلف دانسته شده، ادامه شریعت ایشان محسوب شده‌اند و شریعت-مداری و انجام آنها ملاک برتری مسلمانان بر تمام انسان‌ها لحاظ گردیده است: شرایعی چون نماز، روزه، حج و جهاد که یگانگی اعتقاد و التزام به هر یک از آنها در گرو باورهایی چون وحدت در مبنای تاریخی دین، قبله مشترک، اعتقاد و التزام به امر به معروف و نهی از منکر، و باورها و رویکردهای مشترک دیگر خواهد بود.

### ب. تبیین منابع اصلی و مشترک اسلامی (قرآن و سنت)

قرآن به عنوان بزرگ‌ترین مرحمت الهی، اولین و اساسی‌ترین منبع دینی مسلمانان به حساب می‌آید. در تفکر توحیدی حاکم بر مسلمانان، قرآن به عنوان وحی خطاناپذیر الهی، برترین منبع و ملاک ارزیابی منابع مشترک

دیگر مسلمانان است که خداوند، خود را به عنوان حافظ آن معرفی می‌کند: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾<sup>۱</sup>. تمسک به قرآن نیز آن‌گاه مورد تأیید عقل و شرع قرار می‌گیرد که بحث تحریف از آن منتفی بوده باشد؛ بنابراین می‌بایست منبع بودن قرآن نزد گروه‌هایی از مسلمانان پذیرفته شده باشد که آن را از هرگونه تحریف مبرا می‌دانند و البته قاطبه مسلمانان در عصر حاضر، چنین اعتقادی را نسبت به قرآن دارند و تمام مسلمانان در عمل، قرآن را به عنوان مهم‌ترین منبع دینی خویش پذیرفته‌اند. اساس اعتبار سنت نیز از هدایت‌های قرآن کریم است چرا که قرآن، کلام رسول خدا و سنت نبوی را معصوم از خطا می‌داند و در جای‌جای قرآن به آن تأکید می‌کند: ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ﴿۱﴾ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿۲﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿۳﴾ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ﴿۴﴾. هر چند آیات فوق، بنا بر قرائن حالیه دلالت بر قرآن و وحی الهی می‌کند<sup>۳</sup> با این حال برخی از مفسرین این عصمت کلامی حضرت را به تمام سیره و سنت ایشان سرایت داده‌اند.<sup>۴</sup> از سوی دیگر آیات فراوانی نیز وجود دارد که بر الگو بودن سنت و سیره حضرت رسول ﷺ اشاره دارند: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾<sup>۵</sup>. حجیت سنت و سیره نبوی نیز در تمام منابع شیعه و سنی، امری مسلم و لازم‌الاتباع است و نه تنها کلام وحی - که توسط حضرت رسول خاتم ﷺ بیان می‌شود - عین کلام الهی است بلکه تمام گفتار، رفتار، کردار و اوامر و نواهی ایشان نیز برای تمام

۱. حجر/ ۹.

۲. نجم/ ۶-۲.

۳. طباطبایی: همان، ج ۱۹، ص ۲۷.

۴. صادقی تهرانی: همان، ص ۵۲۶؛ و سید محمد حسین حسینی همدانی: انوار درخشان، تهران، کتاب‌فروشی درخشان، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۹، ص ۷؛ و احمدعلی بابایی: برگزیده نمونه، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش، ج ۴، ص ۵۷۷.

۵. احزاب/ ۲۱.

مسلمانان، حجت خواهد بود: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۱</sup>.

### ج. قبول آزادی بحث و گفتمان دینی

از آن جا که اساس تقریب را گفتمان تشکیل می‌دهد و مخاطبان اصلی آن نیز عالمان فرق اسلامی هستند، این امر بدون گفتمان و طرح دیدگاه‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. اصل و اساس گفت‌وگو و مباحثه در تعالیم قرآن نیز نه تنها در میان مسلمانان مقبول است، بلکه قرآن از ضرورت و شایستگی آن در میان ادیان الهی سخن به میان می‌آورد. با توجه به رویکرد قرآن بر این شایستگی، ضرورت گفتمان میان مسلمانان و تقریب عقاید درون دینی ایشان، امری بایسته خواهد بود. قرآن در این باب نه تنها بر تشییت ضرورت گفت‌وگو و تعامل تأکید کرده است، بلکه گاه با بیان روش‌های مناظره در آیاتی چون ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾<sup>۲</sup> و طرق بحث در آیاتی چون ﴿وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>۳</sup> به فراگیری آن اشاره کرده است.<sup>۴</sup>

هر چند که نظام گفتمان و تعامل افکار در میان مسلمانان، بدون در نظر گرفتن اجتهاد فراگیر در میان فرقه‌های مختلف، ممکن نخواهد بود و اساس ایجاد تعامل و وحدت در بحث‌های دینی، مقبولیت وجود اجتهاد در جامعه است و از سوی دیگر مشروعیت اجتهاد سایر فرق مسلمان نزد برخی از فرق اسلامی مخدوش است اما اساس گفت‌وگو، تعامل و بحث علمی، سنتی الهی

۱ . انفال/ ۴۶، و مانند آن: آیات آل عمران/ ۳۲ و ۱۳۲، نساء/ ۵۹ و ۵۶، مائده/ ۹۲، انفال/ ۱ و ۲۰، نور/ ۵۴ و ۵۶، محمد/ ۳۲، مجادله/ ۱۳، و تباين/ ۱۲ .

۲ . نحل/ ۱۲۵ .

۳ . سبأ/ ۲۴ .

۴ . سید شهاب‌الدین حسینی: الوحدة الإسلامية في الاحاديث المشتركة بين السنة و الشيعة، تهران، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی مرکز مطالعات و تحقیقات علمی، ۱۴۲۸ ق، ص ۱۵ و ۱۶ .

بوده که در قرآن نیز به آن اشاره شده است. البته باید اشاره کرد که منش قرآن در قبول این امر و ارائه راه‌های رجوع به شریعت، در فراخواندن فرهیختگان عالم اسلام برای فراگیری معارف دین به سوی منبع ناطق دین است: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾<sup>۱</sup> و سرّ هجرت برای تحصیل معارف دینی نیز رجوع به آن منبع است که در آیات دیگر صریحاً بر این مسأله، تأکید شده است: ﴿فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾<sup>۳</sup>

#### د. گزینش رویکردی متفاوت در کنش‌های عقیدتی و رفتار اجتماعی

آن‌گونه که اشاره شد نظریه تقریب هرگز در صدد ایجاد اتحاد باورهای فرق مسلمان و رسیدن به باورهایی واحد و یکپارچه نیست؛ هرچند که در گفتمان میان اندیشمندان قطعاً توافقی‌هایی در برخی مسائل پدید خواهد آمد اما این امر به این معنا نیست که این نظریه تلاش خواهد کرد که فرق اسلامی از باورهای مسلم خویش دست بردارند. اما این تأکید به ثبوت باورها نزد فرق مسلمان به معنای عدم ایجاد توافق و وحدت نگرش در رفتار نیست. قرآن کریم این مسأله را در مواجهه با ادیان آسمانی دیگر، بسیار دقیق تبیین می‌کند. در این کتاب گهربار و آسمانی آن‌گاه که عقاید یهودیان و مسیحیان درباره شخصیت حضرات عزیر علیه السلام و مسیح علیه السلام ارزیابی می‌شود، خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ

۱. توبه / ۱۲۲ .

۲. نحل / ۴۳ .

۳. حجرات / ۶ .

قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿١﴾

شدت این توبیخ به گونه‌ای است که خداوند حضرت مسیح علی‌س‌لّم را به صورتی نمادین در این اعتقاد پدید آمده در میان مسیحیان مبنی بر خدا یا پسر خدا دانستن حضرت عیسی علی‌س‌لّم مؤاخذه می‌کند: ﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿٢﴾ با این حال خداوند در جایی دیگر، آن‌جا که سخن از برخورد، مواجهه و تعامل اجتماعی با ایشان را مطرح می‌سازد، می‌فرماید: ﴿وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بَأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيَسِينَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣﴾ این منش قرآن در تفاوت نهادن میان عقاید و کنش‌های رفتاری که در میان دو دین متفاوت با تفاوت‌های فاحش الهیاتی صورت پذیرفته است، به طریق اولی درباره یک امت واحد با دین، پیامبر و کتاب واحد نیز جاری است. البته باید توجه داشت که اهمیت این مبنا به حدی است که بدون توجه به آن، امکان ایجاد اتحاد و تفاهم حاصل از تقرب وجود نخواهد داشت و مهم‌ترین دستاورد آن، رسیدن به باور اخوت دینی است.

## ۵. برتری جایگاه وحدت اسلامی در تعالیم دینی - اجتماعی اسلام

جدایی میان فرق اسلامی براساس باورها و اصولی بوده است که در قرون متعدد و به علت‌های گوناگونی چون دوری از قرآن‌های ناطق و اختلاف در تفسیر منابع مکتوب، پدیدار شده است. تعصب‌های درون

۱. توبه/ ۳۰.

۲. مائده/ ۱۱۶.

۳. مائده/ ۸۲.

فرقه‌ای نیز خود، عامل مهم دیگری در دوری کردن از منابع سایر فرق اسلامی بوده است و باعث فراموش شدن فضیلت‌های بی‌شمار و معارف متعددی از تعالیم گهربار اسلام، دامن زدن به اختلاف‌ها و تهمت‌های فراوان، و دور شدن از مشترکات دینی در بین فرق اسلامی شده است. خداوند در کلام الهی خویش با تأکید بر یگانگی خدا، وحدت در نبی و قرآن و بسیاری از باورها، اصل اساسی وحدت را لازمه لاینفک جامعه اسلامی و هبه الهی معرفی می‌کند و کفران این نعمت را باعث بازگشت به دوران جاهلیت و تعارض‌های قبیله‌ای می‌داند. اهمیت بخشیدن به این امر باعث خواهد شد تا با برتری بخشیدن به وحدت اسلامی و اخوت دینی، نه تنها یک‌گونه نزدیکی و قرابت میان مسلمانان برقرار شود بلکه به علت تقریر الهی بر این اخوت، نظامی شایسته از تعاون اجتماعی، سیاسی و الهی، تمام جوامع اسلامی را فراگیرد و آن زمان ندای قرآن در ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾<sup>۱</sup> تحقق عینی و نهایی خواهد یافت. در پایان این قسمت باید اشاره کرد، همان‌گونه که سنت قرآن در ایجاد برادری و تفاهم دینی میان مسلمانان بوده است در مقابل، خداوند به مسلمانان آموخته است که در مقابل دشمنان و مخالفان این کنش الهی، از اقتدار ستیزه‌جویانه‌ای برخوردار باشند که تحقق آن نیز محتاج ایجاد انسجامی درونی است: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾<sup>۲</sup>.

۱. حجرات/ ۱۰.

۲. فتح/ ۲۹.

## سنت و مبانی نظری تقریب

پس از تبیین اجمالی مبانی نظری تقریب از قرآن می‌بایست سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام را، به عنوان تنها تبیین‌کنندگان قرآن و مفسران حقیقی آن، در مطابقت با این مبانی، بررسی کنیم و شایسته است که در این امر، با تقدم سنت و سیره رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم در تعامل با فرق مسلمان، هم‌داستان باشیم. البته باید توجه داشت که مرجعیت علمی و تفسیری اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برای همه مسلمانان پذیرفته شده است، ولی اهمیت این امر و حجیت این سیره برای شیعیان، به‌سان حجیت آن در سیره نبوی صلی الله علیه و آله و سلم بوده، توجه به آن برای جلب توجه بیشتر شیعیان بر ضرورت برقراری نهضت تقریب و به عنوان زمینه‌سازی برای ایجاد انسجام اسلامی، انگیزه‌ای افزون خواهد بود. از این رو، طرح کنش‌ها و سنت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در این زمینه بسیار اهمیت خواهد داشت.

## سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و مبانی تقریب

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از زمانی که قدرت و اقتدار سیاسی - دینی خویش را با هجرت و استقرار در مدینه به دست آوردند، پیام جهانی بودن دین اسلام را برجهانیان اعلام داشتند. ایشان برای ابراز این پیام با دو جبهه داخلی و خارجی، مواجه بودند که تعامل و رویکرد حضرت با هر یک از این دو جبهه صورت و نمودی خاص به خود گرفت. از سویی جبهه داخلی در میان اقشار مسلمان و از سوی دیگر در میان جامعه عرب گسترده شده بود. آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در مواجهه با این جبهه، ابتدا می‌بایست میان مسلمانان اتحاد و همدلی ایجاد کنند و سپس به تعامل و مواجهه با قبایل عرب

بپردازند. از این رو، اولین تأکید ایشان در مدینه، ایجاد ارتباط و اتحاد میان قبایل مسلمان و برقراری نظام اخوت دینی میان ایشان بود.<sup>۱</sup> این اتحاد و برقراری برادری دینی میان تک‌تک مهاجر و انصار نه تنها باعث ایجاد امتی واحد در زمان حیات شریف پیامبر ﷺ شد بلکه امید فتنه‌گران یهودی را در ایجاد تفرقه و گسست در میان صفوف مسلمین، با شکست مواجه ساخت.<sup>۲</sup> بزرگ‌ترین مانع حضرت در ایجاد این اتحاد، حضور منافقان در میان جمعیت‌های مسلمان بود. تأسیس مسجد ضرار، بازگشت از میدان جنگ، هتک حرمت به خانواده حضرت ﷺ و مواردی این‌چنین، تنها نشانه‌هایی از فعالیت‌های این گروه فتنه‌گر بوده که خداوند با نزول آیاتی از قرآن، پیامبر خویش را در ایجاد این اتحاد در درون جامعه اسلامی، یاری کرده است. اهمیت اتحاد مسلمانان در نظر حضرت ختمی مرتبت ﷺ به اندازه‌ای بوده است که با قبول تمام سختی‌ها در مواجهه با این گروه، حضرت به گونه‌های مختلف به بیان جدایی ایشان از جمع مسلمانان اشاره می‌فرمودند و نمادهای تفرقه را نفی و طرد می‌کردند. این رویکرد در تعامل با قبایل غیرمسلمان عرب نیز مشاهده می‌شود. گویا حضرت، ایجاد صلح و امنیت را در میان قبایل عرب، شرط اساسی برای تحقق نظام جامع دینی و ابلاغ پیام وحی می‌دانسته‌اند. با این حال، هجوم قبایل مختلف عرب به مسلمانان و تلاش‌های ایشان در نابود کردن این انسجام پدید آمده، از دیدگان تیزبین حضرت به دور نمانده، تمام جنگ‌ها و لشکرکشی‌های عصر نبوی برای تأمین این امنیت بوده است. بارزترین نمود این گفتار، در ایجاد صلح حدیبیه است که نه تنها مسلمانان را با صلح و دوستی اسلامی، بیش‌تر آشنا گردانید، بلکه زمینه‌ای برای گسترش اسلام در تمام شبه جزیره

۱. ابن‌هشام: سیره نبوی، ج ۱، ص ۵۰۱.

۲. علی جدیدناب: تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی ره، ۱۳۸۵ ش، ص ۴۵۵۰.



عربستان و در نهایت فتح مکه، فراهم کرد.<sup>۱</sup>

رسول خاتم صلی الله علیه و آله در مواجهه با جبهه خارجی نیز با استفاده از فرصت به دست آمده در زمان صلح حدیبیه، با نگاشتن نامه‌هایی به امپراطوری‌های ایران و روم و فرمانروایان و حاکمان مصر، حبشه، بحرین، شام و... ایشان را به اسلام دعوت کردند. رویکرد حکمرانان سرزمین‌های مختلف نیز، به این دعوت‌ها متفاوت بوده است؛ اما برخورد با تعامل‌های ستیزه‌جویانه برخی از ایشان، تنها به واسطه قدرت‌نمایی اسلامی، ممکن بود. حضرت نیز این قدرت‌نمایی را به واسطه قوای اسلام، تنها زمانی آغاز کردند که دامنه وحدت و انسجام میان مسلمانان بر تمامی شبه جزیره گسترانده شده بود.<sup>۲</sup> باید توجه داشت که این قدرت‌نمایی در صدر اسلام بدون ایجاد تفاهم و وحدت همگانی میان مسلمانان، امری غیرممکن بوده است. البته، حضرت صلی الله علیه و آله با توجه به شناخت کامل خویش از قبیله‌سالاری عرب و تفاوت‌های ذاتی میان ایشان، با ارائه تعبیری دقیق از این اختلاف‌ها، نه تنها تضادهای قبیله‌ای و نژادی را عاملی بر جدایی و تفرقه معرفی نمی‌کنند، بلکه وجود این تنوع نژاد، قبیله و فرهنگ را ابزار برقراری قرابت دینی معرفی می‌کنند و در حدیثی معروف چنین می‌فرمایند: «اختلاف امتی رحمة».<sup>۳</sup>

### سیره علوی و مبانی تقرب

بعد از رحلت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله مسؤولیت اصلی حفظ این اتحاد دینی و نظام الهی می‌بایست بر عهده جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. اما متأسفانه در این دوران، مسأله جانشینی آن حضرت، خود بزرگ‌ترین عامل تفرقه میان مسلمانان شد. هر چند حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای حیات

۱. رسول جعفریان: تاریخ سیاسی اسلام، قم، دلیل، ۱۳۸۲، ش، ۱، ص ۵۹۰-۵۸۰.

۲. همان، ص ۵۹۵-۶۰۰، ۶۴۴ و ۶۴۵.

۳. محدث قمی: سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۲.

شریف خویش، جانشین حقیقی خویش را بارها معرفی کرده بودند،<sup>۱</sup> اما تلاش‌های منافقان و نفوذ سیاسی ایشان در حیات سیاسی جامعه اسلامی، مانع از ادامه طبیعی حیات جامعه اسلامی شد. با این حال حضرت علی علیه السلام که وارث حقیقی این داستان بود هرگونه اقدام جدی را در این دوران، برای بازگرداندن زمام حکومت دینی به دست صاحبان حقیقی آن را باعث تشدید اختلاف میان مسلمانان می‌دانستند و از این رو در مقابل کسانی که ایشان را به قیام دعوت کردند، می‌فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ شُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاةِ، وَ عَرِّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ، وَ ضَعُوا تَبِجَانَ الْمُفَاخَرَةِ، أَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِجَنَاحٍ، أَوْ اسْتَسَلَّمَ فَأَرَّاحَ، هَذَا مَاءٌ آجِنٌ، وَ لُقْمَةٌ يَعْصُ بِهَا أَكْلُهَا وَ مُجْتَنِي الثَّمَرَةَ لِعَبْرِ وَقْتِ إِبْنَاعِهَا كَالزَّرَّارِ بِغَيْرِ أَرْضِهِ<sup>۲</sup>». تعامل تحمل‌مدارانه و همراه با پشتیبانی آن حضرت علیه السلام با خلفای سه‌گانه پیش از خویش، نه تنها زمینه‌ای برای رشد شکوه و عظمت مسلمانان فراهم می‌ساخت، بلکه بیش از آن باعث حفظ انسجام دینی و نظام اسلامی بود. این نکته در نامه حضرت به مردم مصر بسیار مشهود است، آن‌جا که فرمودند: «به خدا سوگند! من هرگز گمان نمی‌کردم که عرب، خلافت را از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بگیرد یا مرا از آن باز دارد. مرا به شگفتی و انداشت جز توجه مردم به دیگری [ابوبکر]، که دست او را برای بیعت می‌فشردند؛ از این رو من دست نگاه داشتم. دیدم گروهی از مردم از اسلام بازگشته‌اند و می‌خواهند آیین محمد صلی الله علیه و آله و سلم را محو کنند. ترسیدم که اگر به یاری اسلام و مسلمانان نشتابم، در پیکر آن رخنه و ویرانی مشاهده کنم که مصیبت و اندوه آن بر من بالاتر و بزرگ‌تر از حکومت چند روزه‌ای است که به زودی مانند سراب یا ابر از میان می‌رود؛ سپس به مقابله با این حوادث برخاستم و مسلمانان

۱ . احمد قاضی‌زاده: گنجینه نور (پرسش‌های مردم و پاسخ‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم)، قم، نشر حادق، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۳۲-۸۶.

۲ . نهج البلاغه، خطبه ۵.

را یاری کردم تا آن که باطل محو شد و آرامش به آغوش اسلام [و جامعه اسلامی] بازگشت.<sup>۱</sup> یکی از بارزترین رویکردهای حضرت در این زمینه، راهنمایی‌های ایشان به خلیفه دوم است. حضرت در ارائه مشاوره به خلیفه دوم، در مسأله سرپرستی سپاهیان اسلام در مواجهه با روم، ضمن ممانعت از قبول این مسئولیت، به ایشان فرمودند: «إِنَّكَ مَتَى تَسِرَ إِلَى هَذَا الْعَدُوِّ يَنْفَسِكَ فَتَلْقَهُمْ فَتَنْكَبُ لَا تَكُنْ لِلْمُسْلِمِينَ كَانْفَةً دُونَ أَقْصَى بِلَادِهِمْ لَيْسَ بَعْدَكَ مَرْجِعٌ يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ ... كُنْتَ رِدًّا لِلنَّاسِ وَ مَثَابَةً لِلْمُسْلِمِينَ<sup>۲</sup>؛ یا در پرسش وی برای سرپرستی لشکریان اسلام در مواجهه با سپاهیان ایران فرمودند: «فَكُنْ قُطْبًا وَاسْتَدِرِ الرَّحَا بِالْعَرَبِ وَ أَصْلِهِمْ ...<sup>۳</sup>».

این رویکرد انسجام‌گرایانه در زمان خلافت حضرت نیز ادامه داشت. البته تمام جنگ‌های ایشان نبردهایی داخلی و با مسلمان‌نمایان موجود در جامعه اسلامی بوده‌است، اما با دقت در تاریخ پیدایش این جنگ‌ها به این حقیقت می‌توان رسید که در حقیقت، مخالفان حضرت با ایجاد بدعت در دین یا برتری‌طلبی، طالب سلطه بر جامعه اسلامی بوده که لازمه برقراری آن را برهم زدن انسجام درون جامعه اسلامی، با تفکیک زمامداری و خلافت موجود در آن، می‌دانستند. این رویکرد که خود بزرگ‌ترین عامل تفرقه میان مسلمانان بوده‌است، مطرود سنت علوی علیه‌السلام بوده و با رویکردهای شدید حضرت پاسخ داده شده‌است. بحث انسجام در این سنت آن‌قدر با اهمیت بوده است که حتی ایشان برخورد خصمانه دین‌ستیزان اموی را با یک زن یهودی، منافی غیرت دینی معرفی می‌کنند و دایره این انسجام را در تمام ارکان حکومت اسلامی و حتی اهل ذمه، ساری و جاری می‌دانند.

۱. همان، نامه ۶۲.

۲. همان، خطبه ۱۳۴.

۳. همان، خطبه ۱۴۶.

## سیره اهل بیت علیهم السلام و مبانی تقرب

سنت و سیره اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، برگرفته از سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم است و رویکردهای اجتماعی - سیاسی ایشان برای ایجاد پیمان وثیقی است که در حفظ و حراست از دین، با خدای خویش بسته‌اند. اگر زمانی دست به قیام می‌زدند، زمانی به صلح روی می‌آوردند و زمانی دیگر به ظاهر خانه‌نشینی می‌کردند، تنها بدین خاطر بوده است که مصلحت امت اسلامی را در این رویکردها می‌دیده‌اند؛ چرا که تک‌تک ایشان این کلام حضرت امیر علیه السلام را باور داشته‌اند که «... وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يَقَارُوا عَلَى كَظَّةٍ ظَالِمٍ وَلَا سَغَبٍ مَظْلُومٍ لِأَلْتَقَيْتَ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا». در تبیین این رویکردها اشاره به صلح امام حسن علیه السلام برای حفظ کیان اسلام، خروج امام حسین علیه السلام برای نجات امت از انحراف در اساس دین، دعا‌های امام سجاد علیه السلام برای مرزبانان مسلمین که تحت اشراف حکومت اموی بودند با جملاتی چون: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ وَ أَيِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِكَ ... وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ وَ اشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ وَ احْرُسْ حُوزَتَهُمْ وَ امْنَعْ حَوْمَتَهُمْ ... أَلْفَ جَمْعُهُمْ وَ دَبِّرْ أَمْرَهُمْ ... اللَّهُمَّ اغْزُبِ كُلَّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَازِأْتُهُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ امدُدْهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ ...»؛ اقدام امام باقر علیه السلام در حل مشکل پدید آمده در ضرب سکه توسط روم که با تعلیم طریق ضرب سکه و امر به ضرب اولین سکه دست‌ساز مسلمانان به نام «عبدالملک بن مروان» حاکم وقت مسلمانان صورت گرفت،<sup>۳</sup> رویکرد امام صادق علیه السلام در ترغیب شیعیان به مماشات با سایر فرق اسلامی با این کلام که «صَلُّوا فِي جَمَاعَتِهِمْ وَ عُدُّوا مَرَضَاهُمْ وَ احْضَرُوا جَنَائِزَهُمْ وَ مَوْتَاهُمْ حَتَّى

۱. همان، خطبه ۳.

۲. امام سجاد علیه السلام: صحیفه سجادیه، قم، نشر الهادی، ۱۳۶۷ش، دعای ۲۷ (الغفور)، ص ۱۲۸.

۳. میرزا حسین نوری: مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق، ج ۷ ص ۸۲.

يَقُولُوا: رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرِ بْنَ مُحَمَّدٍ فَلَقَدْ أَذَبَ أَصْحَابَهُ، كُونُوا زِينًا لَنَا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا عَلَيْنَا». رویکردهای امام رضا علیه السلام در امیرالمؤمنین خطاب کردن مأمون<sup>۱</sup> و سایر نمونه‌ها، مصادیقی از این مواجهه‌ها است. از سوی دیگر، برقراری مجالس تدریس و گفتمان آزاد با رعایت اصول ادب و تعلیم و تعلم، استماع کلام مخالفان و پاسخ‌گویی دقیق، کامل و مغنی نه تنها جواز بحث آزاد را مطرح می‌کرد بلکه ترغیب حضرات معصومین علیهم السلام بر علم‌آموزی و اعطای اجازه اجتهاد به برخی از یاران خویش، این اصل را نیز به تمامی به اثبات می‌رساند.

### نتیجه

براساس تعالیم قرآن، و رهنمودها و سیره نبی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حضرات معصومین علیهم السلام می‌توان مبانی تقریب را در ساحت نظری چنین بیان کرد:

۱. گزینش اسلام به عنوان تنها دین منتخب؛
  ۲. تبیین منابع اصلی و مشترک اسلامی (قرآن و سنت)؛
  ۳. قبول آزادی بحث و گفتمان دینی؛
  ۴. گزینش رویکردی متفاوت در کنش‌های عقیدتی و رفتار اجتماعی؛
  ۵. برتری جایگاه وحدت اسلامی در تعالیم دینی - اجتماعی اسلام.
- این موارد به عنوان مبانی نظری تقریب، برگرفته از کتاب و سنت است و می‌توانند به عنوان اساس و بنای نظری، رویکردهای تقریبی را سامان دهند؛ البته باید اشاره کرد که ترسیم جایگاه، گستره و دامنه توجه به هر یک از این مبانی و راهکارهای اجرایی هر یک از آنها، خود مجال کافی دیگری می‌طلبد.